

متن پرسش

با سلام خدمت شما استاد بزرگوار! من می‌خواهم از روی صداقت حرفه‌ایی بزنم. من سن و سالی گذرانده‌ام. زمانی که امام خمینی زنده بود، مریدش بودم. اما پس از گذشتن این سالها و اتفاقاتی که افتاده و دوری از اهدافی که برای انقلاب اسلامی ایران ادعا می‌شد و این سیاست بازی که از سیاست معاویه بدتر است، از انقلاب و آقای خمینی متنفرم. اول انقلاب ادعا می‌شد که برای تکلیف قدرت در دستشان است اما حالا برای ماندن در قدرت دست به هر اقدامی می‌زنند. متأسفانه شما انقلاب را مانند یک شخص معصوم فرض می‌کنید و آنگونه از انقلاب دفاع می‌کنید که انگار مملکت گل و بلبل است. شما هر انحرافی که در انقلاب می‌افتند توجیه می‌کنید. از این انقلابی که مدعی آن هستید، چه چیزی مانده است که می‌خواهید از آن دفاع کنید؟ البته چون شما عمری در راه انقلاب بوده‌اید و جزو شاکله شما شده، تغییر شما تقریباً محال است. مگر آقای خمینی در وصیت نامه اش نگفت که نظامیان در سیاست دخالت نکنند اما ما شاهدیم که سیاست بازی جزو وجودی سپاه پاسداران شده است. الان من فردی هستم که از نظر اعتقادی به هم ریخته‌ام. با تشکر از اینکه وقت گذاشتید و حرفهای مرا شنیدید. والسلام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در نظر بگیریید اگر کسی در صدر اسلام تنها با جریان سقیفه می‌خواست اسلام را بشناسد، چه اندازه از اسلام دور می‌شد. ولی نگاه حکیمانه شیعیان طوری بود که اسلام را در جایی دیگر دنبال کردند (اسلامی که به حضرت مهدی «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» منتهی می‌شود) و این‌جا است که امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» در عین حضور در اسلام و بدون درگیری مستقیم با خلفا، روح دیگری را در میان آوردند. در مورد انقلاب اسلامی نیز بنده چنین نظری دارم و عظمت کار مقام معظم رهبری را در همین می‌دانم که با حکمت و بصیرت لازم سعی دارند انقلاب را در افقی که جدا از طرح آقای هاشمی است؛ جلو ببرند. در مورد آینده انقلاب عرایضی تحت عنوان «راز امیدواری به آینده در تاریخ انقلاب اسلامی» شده است. امید است که مفید افتد. موفق باشید

<https://eitaa.com/matalebevijeh/11872>